

بررسی و مطالعه جایگاه ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در نظام حقوقی ایران در زمینه پیشرفت و بهره‌وری شرکت‌ها

سامان توکلی یرکی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی رضویه ساوه، ساوه، ایران

چکیده

موضوع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و غیرتجاری از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. قانون تجارت بر اساس قوانینی که وضع کرده بین شرکت و موسسه تفاوت اساسی ایجاد نموده است. به‌طور کلی در شرکت‌ها یا همان شرکت تجاری رکن اصلی را درآمدزایی در نظر گرفته است و بیشتر به کارهای امور تجاری مانند صادرات و واردات می‌پردازند، اما در مؤسسات غیرتجاری رکن اصلی را بر پایه خدمات‌رسانی به مشتریان قرار داده و کارهای مربوط به فرهنگ و هنر، حقوقی، خیریه را انجام می‌دهند. موسسه در زیرمجموعه یا همان تملک دولت قرار می‌گیرد. شرکت‌های تجاری به دوطریق می‌توانند شرکت یا شرکت‌های تجاری دیگر را تحت کنترل خود درآورند: کنترل شرکت یا شرکت‌های تجاری دیگر از طریق محو شخصیت حقوقی آن‌ها و کنترل شرکت یا شرکت‌های تجاری دیگر بدون محو شخصیت حقوقی آن‌ها. در ماده ۱۸۳۲ قانون فرانسه در مورد شرکت‌های تجاری سخن آمده است، اما آنچه از بررسی قانون تجارت کشور فرانسه به دست می‌آید، نه تنها نشانی از پیشینه روشن در رابطه با شرکت یا مؤسسات غیرتجاری ندارد، بلکه حکایت از پراکندگی و ابهام در مقررات موجود دارد.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های تجاری، شرکت یا مؤسسات غیرتجاری، حقوق ایران، حقوق فرانسه

۱- مقدمه

با گسترش جوامع و دادوستدهای فراوان، ایجاد شرکت‌های تجاری در کنار اشخاص حقیقی که مبادرت به تجارت می‌کنند، امری اجتناب‌ناپذیر است. بر همین مبنا همیشه شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در پی راهی برای کم کردن هزینه‌های خود بوده‌اند که یکی از این شیوه‌های کم کردن هزینه، ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری می‌باشد. ثبت شرکت‌ها یک راه حل بسیار مناسب است که شرکت‌ها برای اهداف مختلفی به آن متوسل می‌شوند. در زمان‌های گوناگون شاید بتواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات باشد. می‌توان برای نمونه فرار از اطاله زمان انحلال شرکت را اشاره کرد. زیرا در ثبت دیگر زمان انحلال وجود ندارد. لازم به ذکر است در ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری اهداف و منافع زیادی وجود دارد. البته ایراداتی هم وجود دارد که مهمترین آن‌ها انحصارطلبی و گرفتن قدرت انحصاری بازار است (پاسبان، ۱۳۹۶: ۳۲۷).

جهانی‌شدن بازارهای تجاری و به تبع آن برقراری اصول نظام اقتصاد رقابتی جوامع، سازمان‌ها و بنگاه‌ها را بر آن داشته تا به منظور کاهش زیان‌های ناشی از این جریان و ادامه حیات خویش در شرایط جدید و محیط رقابتی، از ابزارها و ساز و کارهای مختلف استفاده کنند. یکی از نهادهای حقوقی مؤثر برای ثبت کردن شرکت‌های تجاری و غیرتجاری با محیط رقابتی، فعالیت اقتصادی و تجاری، ادغام شرکت‌های تجاری و غیرتجاری برای افزایش توان اقتصادی و قدرت رقابتی آن‌ها است. ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری با افزایش توان آن‌ها، خطر ایجاد انحصار در بازار به منظور کاستن از قدرت فعالیت سایر فعالان در عرصه موضوع فعالیت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری را نیز پیامد داشته، بنابراین کارکرد و تأثیری دوگانه بر بازار دارد. از یک سو، می‌تواند با تجمیع اموال مشهود و نامشهود شرکت‌های تجاری، توان فعالیت آن‌ها را افزایش دهد و از سوی دیگر ممکن است انحصار ایجاد، و شرکت‌های کوچک را از صحنه رقابت حذف کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۱). ثبت رویکردی در جهت پاسخگویی به شرایط، چالش‌ها و ویژگی‌های اقتصادی شرکت‌ها است که هدف از آن در گام نخست افزایش بهره‌وری شرکت‌ها و توسعه فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و مجموعه‌های بزرگ است. ثبت، الزامات شرایط محیطی و فعالیت‌های اقتصادی است که به شرکت‌ها تحمیل می‌شود تا در یک شرایط رقابتی هم در راستای فعالیت‌های خود و بازار و هم در جهت جلوگیری از رو به افول نهادن شرکت‌ها قدم بردارند. اگرچه ثبت به عنوان راهکاری مؤثر در بازسازی شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در بیشتر نظام‌های مهم حقوقی به رسمیت شناخته شده است، با این حال حقوق ایران در این زمینه در آغاز راه خود قرار دارد. برای اینکه بتوان به دنبال راهی برای پیشرفت در این زمینه بود. ناگزیر از جستجو در قوانین و حقوق داخلی و مقایسه آن با نظام حقوقی کشور فرانسه می‌شویم تا بتوانیم هم مشکلات خود را در راه رسیدن به هدف شناسایی کرده و هم راهکارهایی با توجه به آنچه در نظام حقوقی فرانسه در زمینه ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری وجود دارد را یافت. این نوشتار با مقایسه مطالب با حقوق فرانسه کاستی‌های حقوق ایران را آشکار نموده است. به منظور رعایت قوانین و موازین قانونی ثبت و جلوگیری از شکل‌گیری انحصار به عنوان آثار نامطلوب این نهاد حقوقی در حقوق فرانسه مقرراتی نظارتی پیش‌بینی شده است که حضور و دخالت نهادهای دولتی را با هدف نظارت بر ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری ضروری می‌سازد. لذا شایسته است نظام حقوقی هر کشور در مورد این موضوع مقررات دقیقی را در نظر بگیرد. از این رو است که این سوال اصلی به ذهن می‌رسد که آیا با توجه به شرایط و تشریفات ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در حقوق ایران، ثبت شرکت می‌تواند جایگاه خود را به عنوان عاملی مهم برای پیشرفت و بهره‌وری شرکت‌ها فراهم کند؟ برای اینکه بتوان به این سؤال پاسخ داد ناگزیر از جستجو در قوانین و حقوق داخلی و مقایسه آن با نظام حقوقی کشور فرانسه می‌شویم تا بتوانیم هم مشکلات خود را در راه رسیدن به هدف شناسایی کرده و هم راهکارهایی با توجه به آنچه در نظام حقوقی فرانسه در زمینه ثبت شرکت‌ها وجود دارد را یافت.

تا سال ۱۳۸۰ که قانون برنامه‌ی سوم توسعه به تصویب رسید صرفاً مقررات پراکنده در این زمینه ملاحظه می‌شود که منحصر به شرکت‌های تعاونی و دولتی است. با تصویب قانون برنامه‌ی چهارم و به دنبال آن قانون برنامه‌ی پنجم، ثبت شرکت‌های غیرتجاری مجوز قانونی یافت. با این حال در قانون برنامه‌ی پنجم به تشریفات و مهم‌تر از آن چگونگی حفظ حقوق بستانکاران توجهی نشده است. لایحه جدید قانون تجارت به تفصیل به شرایط لازم برای انجام ثبت شرکت‌ها، ضمن توجه به حقوق بستانکاران پرداخته است. ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری یکی از کارسازترین سازوکارهای اقتصادی برای نجات شرکت‌های تجاری از شرایط نابسامان مالی و ورشکستگی و یا بهره‌گیری از توان مالی، شهرت و فن‌آوری مشترک با هدف ارتقاء سطح تولید به شمار می‌رود. امروزه تقریباً در همه‌ی نظام‌های حقوقی پیشرفته، راهکار یادشده با دقت و تفصیل در قانون تجارت یا قانون شرکت‌ها مورد پیش‌بینی قرار گرفته است (کاویانی، ۱۳۹۵: ۸۳).

۲- ادبیات پژوهش

با نگاهی به تاریخچه ثبت شرکت‌ها در حقوق رم درمی‌یابیم که ثبت شرکت‌های مختلط که سرمایه‌گذاران این شرکت‌ها سرمایه خود را در اختیار اشخاص دیگر می‌گذارند، معمول بوده است، ولی در این نوع شرکت‌ها حضور مدیران عامل تأثیر زیادی در امور شرکت دارد، به طوری که مدیر عامل در مقابل اشخاص ثالث مسئول کلیه اعمالی است که به حساب شرکت انجام می‌دهد حتی اگر معامله‌کنندگان اصولاً از وجود سرمایه‌دار اصلی مطلع نباشند (Cannu & Dondero; 2016). تاریخچه ثبت شرکت در ایران تاریخچه ثبت شرکت در ایران نشان می‌دهد که در حقوق اسلامی نیز انواع شرکت به صورت مختلف پیش‌بینی شده است، زیرا صرف نظر از احکام حقوقی شرکت‌ها، مزارعه، مساقات و مضاربه نیز در حقوق اسلامی نوعی از شرکت می‌باشد. در حقیقت مضاربه همان شرکت عاملیت است که در حقوق رم معمول بوده است. شرکت نسبی که در قانون تجارت ایران پیش‌بینی شده است در حقوق اروپایی نیست و کاملاً ریشه در اصول حقوق و فقه اسلامی دارد (وحیدی، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۰۴). تاریخچه ثبت شرکت‌ها به ما می‌گوید که تا اواخر قرن شانزدهم میلادی اکثر شرکت‌ها جنبه شخصی و خانوادگی داشته‌اند و مسئولیت شرکاء محدود به دارایی‌های شرکت نبوده و اموال شخصی آن‌ها نیز ضمانت‌کننده تعهدات شرکت بوده است، تنها استثناء درباره‌ی حمل و نقل دریایی است که در این خصوص قوانینی مقرر بوده است به این ترتیب که: مسئولیت مالکین کشتی و کسانی که سرمایه خود را در این کار می‌گذاشتند، و یا اموال خود را از طریق حمل و نقل دریایی منتقل می‌کردند، محدود به خود کشتی‌ها بوده و شرکت سرمایه‌که مسئولیت شرکاء محدود به سرمایه‌ای باشد که به شرکت آورده‌اند وجود نداشته است. تاریخچه ثبت شرکت‌های سرمایه‌به شکل امروزی خود که مسئولیت شرکاء در آن محدود به سرمایه آن‌ها در شرکت باشد و دارای سهم‌الشرکه قابل نقل و انتقال باشد به زمانی باز می‌گردد که شرکت‌های بزرگ برای استفاده از منابع اقتصادی مناطق مستعمره تشکیل شدند. نخستین شرکت شبیه به شرکت سهامی امروزی آغاز به کار کرد در سال ۱۵۰۰ میلادی در ژنو برای تأسیس بانک سن ژرژ به ثبت رسید (Cozian, Viandier and Deboissy, 2013). پس از آغاز قرن شانزدهم که مستعمرات کشورهای اروپایی توسعه پیدا کرد، شرکت‌هایی با اجازه دول اروپایی تأسیس گردیدند که هدف از آن‌ها استفاده از منابع طبیعی سرزمینهای مستعمره بود. در این شرکت‌ها مسئولیت صاحبان سهام محدود به آورده آن‌ها در شرکت بوده و هر کدام از سهامداران حق انتقال سهام خود به دیگری را داشتند. در قرن هفدهم شرکت‌های سهامی در دول اروپایی توسعه زیادی یافتند و با وجود سوء استفاده‌هایی که از این نوع شرکت‌ها به عمل آمد، روز به روز تعداد آن‌ها افزایش یافت. تا پایان قرن نوزدهم میلادی تشکیل شرکت‌های سهامی با اخذ اجازه از دولت انجام می‌گرفت،

لکن از اواخر قرن نوزدهم و پس از آن برای ثبت شرکتهای سهامی قوانین خاصی به تصویب رسید. قانون اولیه ثبت شرکتهای سهامی در حقوق فرانسه در مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۸۶۷ وضع گردید، لکن پس از آن قوانین زیادی در اصلاح قانون مزبور (حدود ۲۰۰ اصلاحیه و قانون جدید) به تصویب رسیده است که همین امر تشریفات و قوانین شرکتهای سهامی را کمی پیچیده می سازد و در تاریخ ۷ مارس ۱۹۲۵ شرکت با مسئولیت محدود که در آلمان رواج یافته بود، نیز با وضع مقررات جدید وارد حقوق فرانسه شد (Lefebvre, 2011-2012).

طباطبایی حصری و صفی زاده (۱۳۹۹) تحقیقی تحت عنوان «تحول سیستمهای حقوقی ثبت شرکتهای تجاری بر مبنای حق دسترسی به اطلاعات» انجام دادند. سیستم ثبت شرکتهای در کامل ترین شکل خود دارای دو کارکرد «اداری» و «قراردادی» با صرف حداقل «هزینه ی اطلاعاتی» است. لیکن تحلیل مبانی تاریخی، حقوقی و اقتصادی سیستم های یادشده در دنیا نشان می دهد که این کارکردها به صورت تدریجی و مبتنی بر یک «فرایند تکاملی» در طی عبور از سه مرحله ی «سیستم ثبتی مبتنی بر اطلاعات هویتی و ایجاد شخصیت حقوقی»، «توسعه ی قلمرو اطلاعات ذخیره شده از اطلاعات هویتی به اطلاعات اقتصادی» و «کاهش هزینه ی اطلاعاتی» توسعه یافته است. در سیستم ثبت شرکتهای ایران نیز همانند دیگر سیستم های ثبتی این روند از آغاز عصر قانون گذاری تا به امروز سپری شده، لیکن عدم توجه به هر یک از این تحولات در نظام ثبت شرکتهای ایران به تبدیل نهاد ثبت شرکتهای تجاری به یک نهاد صرفاً تشریفاتی و بدون منطق منجر شده است که نه تنها اطلاعات دقیقی به ذی نفعان نمی دهد، بلکه تضمینی نسبت به صحت اطلاعات ثبت شده هم ارائه نمی کند. این مقاله با نگاهی تطبیقی به انواع «نظام های ثبت شرکتهای تجاری از منظر دسترسی به اطلاعات» در حوزه ی اروپای قاره ای و حقوق کامن لا و تحلیل مبانی حقوقی تحول سیستم ثبت شرکتهای به این نتیجه رسیده که سیستم ثبت شرکتهای ایران از منظر قانونی همانند دیگر سیستم های ثبت شرکتهای در پی صرفه جویی در هزینه ی دسترسی به اطلاعات ثبت شده است و می توان با حل موانع اجرایی، این سیستم را همپای دیگر سیستم های مدرن احیا کرد.

حجتی (۱۳۹۸) تحقیقی تحت عنوان «تعهدات شرکت تجاری قبل از ثبت در حقوق ایران و انگلیس» پرداخت. یافتههای تحقیق نشان داد که تعهداتی که بعضاً قبل از به ثبت رسیدن شرکت تجاری منعقد می گردند از مباحث مورد اختلاف در قانون تجارت ایران است. تعیین تکلیف این دست از تعهدات مبنای حقوقی موجهی ندارد بدین معنا که با هیچ یک از تأسیس های حقوقی چه در ایران، فرانسه و انگلیس قابل انطباق نیست. اما قانونگذار فرانسه وفق بندهای ماده ۶، حکماً در این خصوص تعیین تکلیف نموده است و قانونگذار انگلیس، به دلیل همین عدم انطباق، مستند به ماده ۳۶ قانون شرکتهای مصوب ۱۹۸۵ یا همان ماده ۵۱ قانون شرکتهای مصوب ۲۰۰۶ و همچنین بند ۲ ماده ۹ قانون اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۷۲، آن را نپذیرفته است. در قانون ایران نه اثری از حکم قانون دیده می شود و نه اثری از عدم پذیرش مطلق آن. بنابراین نه تنها هیأت مدیره صالح به رد یا تنفیذ تعهدات قبل از ثبت نمی باشد بلکه در اصل شرکت موصوف نمی تواند وارد مقوله تنفیذ یا رد تعهداتی گردد که قبل از ثبت برای آن صورت گرفته است و این امر نیاز به حکم صریح قانون خواهد داشت و افرادی که این تعهدات را به نام شرکت در شرف تأسیس امضاء نموده اند، خود، شخصاً مسئول ایفای آن می باشند.

چوپانیان پور (۱۳۹۷) تحقیقی تحت عنوان «مسئولیت حقوقی مدیران شرکتهای تجاری در ثبت اموال منقول و غیرمنقول» انجام داد. در مجموع در ثبت اموال منقول و غیر منقول توسط مدیران شرکتهای تجاری نتایج حاصل آمد که مدیران براساس قانون، مقررات اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی مکلف به انجام وظیفه در خصوص ثبت اموال مزبور بوده که تخلف در این

خصوص در برخی موارد موجب مسئولیت مدنی و در برخی امور دیگر موجب مسئولیت کیفری برای ایشان خواهد بود و مکلف به جبران خسارت در برابر شرکت و اشخاص ثالث می شوند.

۳-اهداف پژوهش

هدف اصلی

بررسی و مطالعه تطبیقی مبحث چگونگی ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در قانون تجارت ایران و فرانسه و تغییرات آن

هدف فرعی

- شناسایی جایگاه ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در نظام حقوقی ایران در زمینه پیشرفت و بهره‌وری شرکت‌ها

۴-روش پژوهش

این پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای انجام خواهد شد. بدین صورت که ابتدا مطالب مرتبط با موضوع اعم از کتب، مقاله‌ها، رساله‌ها، جزوات، منابع اینترنتی استخراج می‌گردد و پس از جمع‌آوری نظرات مختلف به منظور دستیابی به نتایج موردنظر به تحلیل آن‌ها پرداخته شد.

۵-یافته های پژوهش

بخش اول: آثار و نتایج شخصیت حقوقی تشکیلات و شرکت‌های غیرتجاری

شناسایی یا اعطاء شخصیت حقوقی به یک گروه یا جمعیت از جمله تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری دارای آثار و نتایجی است که در این مبحث آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بدین منظور مطالعات این مبحث را طی سه گفتار به ترتیب نام (گفتار اول)، اقامتگاه (گفتار دوم) و تابعیت شرکت‌های غیرتجاری (گفتار سوم) ارائه می‌دهیم.

گفتار اول - نام تشکیلات و شرکت‌های غیرتجاری

نظم و انتظام زندگی اجتماعی و حقوقی اشخاص ایجاب می‌نماید که تحت عنوان معینی با دیگران روابط حقوقی برقرار سازند و با نامی که برای خود انتخاب کرده‌اند، اعمال خود را انجام دهند زیرا بدون داشتن نام برقراری ارتباط با شخص دیگری به دشواری صورت می‌گیرد.

در مورد ضرورت انتخاب نام برای اشخاص حقیقی ماده ۹۹۷ ق.م. مقرر داشته : «هرکس باید دارای نام‌خانوادگی باشد...» انتخاب نام برای مؤسسات غیرتجاری در قانون پیش‌بینی نشده است، اما مطابق ماده ۵ آیین‌نامه اصلاحی، که درج‌نامه مؤسسه را در اظهارنامه ضروری دانسته، و همچنین طبق ماده ۵۸۸ ق.ت که مقرر داشته : «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است...»، می‌توان ضرورت انتخاب نام برای شرکت‌های مزبور را استفاده کرد.

گفتار دوم - اقامتگاه تشکیلات و شرکت‌های غیر تجاری

همان‌طور که گفتیم، اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی می‌باشند که قانون برای انسان مقرر کرده است، مگر حقوق و تعهداتی که ذاتی انسان بوده و از شخص حقوقی سلب شده است. بدیهی است برای آن که اشخاص حقوقی بتوانند حقوق خود را به اعمال و به تکالیفشان بپردازند نیازمند به وجود محلی هستند که در علم حقوق از آن به اقامتگاه تعبیر شده است. هر شرکت غیر تجاری بدلیل داشتن شخصیت حقوقی باید اقامتگاه معین داشته باشد، تعیین اقامتگاه برای مؤسسات مزبور دارای آثار مهم حقوقی است. از جمله این که اقامتگاه اشخاص حقوقی معین می‌کند که شخص تابعیت چه کشوری را دارد، زیرا بموجب ماده ۵۹۱ ق.ت، تابعیت اشخاص حقوقی تابع اقامتگاه آن‌ها تلقی گردیده و با تغییر آن تابعیت اشخاص حقوقی تغییر می‌نماید. همچنین موضوع اقامتگاه از لحاظ تعیین دادگاه صلاحیت‌دار مورد توجه بوده، چون در اقامه دعوی علیه شخص باید به دادگاهی مراجعه شود که اقامتگاه شخص در آن جاست. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در این مورد مقرر می‌دارد که دعوی باید در دادگاهی اقامه شوند که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دارد.^۱

بند اول: مفهوم اقامتگاه

اقامتگاه ترکیبی است که از کلمه «اقامت» و پسوند «گاه» و در لغت به معنای محل سکونت است (معین، همان: ۳۲۱). در اصطلاح حقوق «محلی است که قانون برای اجرای تعهدات و اعمال حقوقی اشخاص، برای آنان فرض می‌کند» (صفار، همان: ۲۸۵). در علم حقوق شخص در یک محل معین مستقر فرض می‌شود (هرچند که همیشه در آن جا حضور ندارد) تا نیازمندی‌های اجتماعی وی تأمین گردد. در واقع یک وابستگی برای فرد و خانواده‌اش نسبت به آن محل وجود دارد که دائمی و پایدار است (سلجوقی، ۱۳۹۵: ۲۷۸). اقامتگاه رابطه‌ای است حقوقی که بین شخص و حوزه معینی از قلمرو دولت ایجاد می‌شود و بدین وسیله اشخاص بدون آن که تبعه آن دولت باشند از ساکنین آن می‌باشند (نصیری، ۱۳۹۲: ۸۰).

بند دوم: نحوه تعیین اقامتگاه شرکت‌های غیر تجاری

در حقوق ایران، در مورد اقامتگاه اشخاص حقیقی تضادی بین قوانین نیست. قانون مدنی اقامتگاه اشخاص حقیقی را محل سکونت و مرکز مهم امور آن‌ها اعلام نموده که در صورت تعدد این دو محل مرکز مهم امور شخص حقیقی اقامتگاه وی خواهد بود. این ضابطه در ماده ۱۰۲ ق.م. این‌گونه انعکاس یافته است: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن - جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد، اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است...».

برخلاف اقامتگاه اشخاص حقیقی، در رابطه با اقامتگاه اشخاص حقوقی متون قانونی تعابیر گوناگونی بکار برده است. از یک طرف ذیل ماده ۱۰۲ ق.م اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز عملیات آن معرفی کرده است، از سوی دیگر ماده ۵۹۰ ق.ت اقامتگاه شخص حقوقی را محلی که اداره شخص حقوقی در آن جا متمرکز است، اعلام نموده است.

^۱ در این زمینه ح ماده ۲۲ ق.آ.د.م. مقرر داشته: «دعوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است، همچنین دعوی مربوط به اصل شرکت و دعوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعوی اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود».

سرانجام آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در ماده ۲۲ مقرر می‌دارد:

«دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است، هم‌چنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت، تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود» این ماده مرکز اصلی شرکت^۲ را جانشین اقامتگاه قلمداد کرده است.

طبق مواد مزبور، در اصل موضوع که اقامتگاه اشخاص حقوقی غیر از اقامتگاه مؤسسين است، و هم‌چنین اقامتگاه اشخاص حقوقی که محل اداره و مرکز عملیات آن‌ها در یک محل باشد تعارضی بین قوانین نیست، ولی ممکن است محل اداره شخص حقوقی غیر از مرکز عملیاتش باشد. مثلاً مؤسسه آموزشی در تهران تاسیس می‌گردد، دفتر و محل اداره دارد، ولی فعالیت آموزشی که موضوع اصلی مؤسسه است در اصفهان انجام می‌شود، در نتیجه محل اداره با مرکز عملیات آن یکی نیست. در این صورت بین قانون تجارت و قانون مدنی اختلاف است، و ما با سه عنوان «مرکز عملیات» ماده ۱۰۰۲ ق.م، «مرکز اداری» ماده ۵۹۰ ق.ت. و «مرکز اصلی» ماده ۲۲ ق.آ.د.م. مواجه هستیم. قانون مدنی اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز عملیات و قانون تجارت محل اداره و قانون آیین دادرسی مدنی مرکز اصلی آن می‌داند.

حال با توجه به اختلاف بین قوانین مزبور، اقامتگاه شخص حقوقی کجاست؟ کدام‌یک از محل‌های مندرج در این مواد را باید اقامتگاه شخص حقوقی دانست؟

در این زمینه علماء حقوقی با توجه به دو ماده مندرج در قانون مدنی و قانون تجارت نظرات متفاوت ارائه نموده‌اند.

بعضی از اساتید چنین می‌گویند: «چون قانون مدنی پس از قانون تجارت وضع شده^۳ و با آن در خصوص اقامتگاه اشخاص حقوقی تفاوت دارد (زیرا موضوع این دو ماده امری واحد و حکم آن دو متفاوت است) باید قانون مدنی را در این مورد ناسخ قانون تجارت بدانیم و بگوئیم در حقوق امروز، اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌هاست» (شایگان، ۱۳۹۵، شماره ۳۴۹؛ عبادی، ۱۳۹۴: ۶۶؛ سلجوقی، همان: ۳۷۰). طبق این نظریه اشخاص حقوقی مشمول عموماً قانون مدنی هستند. در نتیجه اقامتگاه آن‌ها محلی است که فعالیت عمده آن‌ها در آن جا صورت می‌گیرد.

مخالفان این عقیده می‌گویند شخص حقوقی ممکن است در نقاط مختلف مشغول فعالیت باشد و چون مرکز فعالیت آن بر خلاف مرکز اداری دائماً در معرض تغییر است، لذا منطقی نیست که این مراکز را اقامتگاه شخص حقوقی بدانیم (کاتبی، همان: ۳۸؛ اعظمی زنگنه، ۱۳۹۶: ۶۷). بعلاوه ماده ۱۰۰۲ ق.م نمی‌تواند ماده ۵۹۰ ق.ت را نسخ کند، زیرا «ماده ۵۹۱ قانون تجارت متفرع بر ماده ۵۹۰ همان قانون است و بنابراین بسیار بعید است که ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ناسخ ماده ۵۹۰ باشد ولی ناسخ ماده ۵۹۱ نباشد، اگر بگوئیم هر دو را نسخ کرده در این صورت راجع به تابعیت اشخاص حقوقی فاقد قانون خواهیم بود و این طور نسخ هم بعید از متعارف عقول قانون‌گذاران است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۲۳).

عده‌ای عقیده دارند که تعارض بین دو قانون یاد شده نیست و تفاوت تنها لفظی است. چون مقصود از مرکز عملیات در ماده ۱۰۰۲ ق.م. مرکز عملیات مادی و فنی نیست، بلکه همان مرکز عملیات اداری و محلی است که تصمیم در آن جا گرفته می‌شود و با جمله «اداره شخص حقوقی» مندرج در ماده ۵۹۰ ق.ت مترادف است (صفائی و قاسم زاده، همان: ۱۴۰؛ صفار، همان: ۳۰۶؛ کاتبی، همان: ۳۹؛ ارفع‌نیا، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۴۰).

^۲ مرکز اصلی شخص حقوقی با مرکز عملیات آن مفهوم واحد ندارند. چون مرکز اصلی شخص حقوقی محلی است که ارگان‌های تصمیم‌گیرنده، اداره‌کننده و کنترل‌کننده در آن جا انجام وظیفه می‌کنند، ولی مرکز عملیات محلی است که کارگاه و وسایل شخص حقوقی در آن محل قرار داشته، و موضوع اصلی وی در آن جا انجام می‌شود.

^۳ قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ به تصویب رسیده، در صورتی که کتاب چهارم از جلد دوم قانون مدنی در ۲۷ بهمن ماه سال ۱۳۱۳ (دو سال بعد) تصویب شده است.

اغلب حقوق دانان بر این عقیده‌اند که اقامتگاه شرکت‌های تجاری به تبعیت از قانون تجارت، محل اداره آن‌هاست (جعفری لنگرودی، ج ۱: ۵۲۳؛ اسکینی، همان: ۵۵) دلایل زیر این نظر را تقویت می‌کند:

۱- ماده ۲۲ ق.آ.د.م. در مورد اقامه دعوی علیه شرکت که جزء اشخاص حقوقی است، اقامتگاه آن‌ها را مرکز اصلی شرکت تعیین کرده است. منظور از مرکز اصلی، محلی است که امور مهم و اساسی شرکت در آن محل متمرکز بوده و تصمیمات از آنجا صادر می‌شود. لذا از حیث معنی اصطلاح مرکز اصلی با محل اداره مترادف است. پس اقامتگاه شرکت‌های تجاری را باید «مرکز اصلی یا محل اداره» آن بدانیم.

۲- قانون مدنی نسبت به قانون تجارت عام است و طبق اصل کلی عام مؤخرالتصویب قانون خاص را لغو نمی‌کند مگر آن که در قانون عام صراحتاً قید شده باشد. چون ماده ۱۰۰۲ ق.م. مباحث مربوط به تعیین اقامتگاه را در قانون تجارت از بین نبرده است، بنابراین باید اقامتگاه شرکت‌های تجاری را محل مندرج در قانون تجارت دانست.^۴

۳- ماده اول قانون ثبت شرکت‌ها مقرر داشته: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است». مفهوم مخالف ماده این است که هر شرکتی که در خارج تشکیل می‌گردد و مرکز اصلی آن نیز در خارج باشد، خارجی محسوب می‌گردد. در ماده مزبور ملاک تعیین تابعیت شرکت‌های تجاری، مرکز اصلی آن‌هاست نه مرکز عملیات. با توجه به این که طبق ماده ۵۹۱ ق.ت. تابعیت اشخاص حقوقی با اقامتگاه آن‌ها مرتبط می‌باشد، بنابراین از قانون ثبت (ماده یک) می‌توان چنین استنباط کرد که اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز اصلی (محل اداره) آن است.

در رابطه با شرکت‌های غیرتجاری قانون ساکت است، اما بدیهی است که مقررات مربوط به اقامتگاه شرکت‌های تجاری را نمی‌توان در مورد مؤسسات غیرتجاری اعمال نمود، زیرا قانون تجارت، قانون خاص است و با وجود قانون عام نمی‌توان قانون خاص را به سایر اشخاص حقوقی تسری داد.

بنظر می‌رسد که ضابطه قانون مدنی (مرکز عملیات بعنوان اقامتگاه شرکت‌های غیرتجاری) قابل دفاع باشد. چون این مؤسسات از اشخاص حقوقی موضوع حقوق مدنی هستند در نتیجه باید تابع قانون مدنی باشند.

بند سوم: تغییر اقامتگاه شرکت‌های غیرتجاری

تغییر اقامتگاه بمعنای انتقال آن از شهری به شهر دیگر در داخل یک کشور یا از کشوری به کشور دیگر امری مرسوم و پذیرفته شده است و اصولاً هر کس می‌تواند اقامتگاه خود را تغییر دهد، البته بجز اقامتگاه اجباری مثل اقامتگاه صغار و محجورین یا اقامتگاه مأمورین دولت (موضوع مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ ق.م) که جنبه استثنایی دارد (نصیری، همان: ۸۷).

در مورد تغییر اقامتگاه اشخاص حقیقی از شهری به شهر دیگر، ماده ۱۰۰۴ ق.م دو شرط را پیش‌بینی نموده است: شرط اول: قصد تغییر اقامتگاه توسط شخص می‌باشد، تا زمانی که شخص تصمیم نگیرد که بطور دائم به محل دیگر برود اقامتگاه او در محل قبلی خواهد بود.

شرط دوم: انتقال مرکز مهم امور شخص است که بوسیله اوضاع و احوال می‌توان ترک محل سابق و استقرار در محل جدید را احراز نمود.

هم‌چنین انتقال و تغییر اقامتگاه اشخاص حقیقی از کشور به کشور دیگر امکان‌پذیر است، و این عمل به اراده دارنده آن به همراه عمل مادی تغییر جا از کشور به کشور دیگری صورت می‌گیرد (سلجوقی، همان: ۲۷۶). بنابراین اگرچه از مفهوم اقامتگاه

^۴. بعبارت دیگر قانون مدنی نسبت به قانون تجارت عنوان عام دارد، نمی‌تواند ناسخ کلی ماده ۵۹۰ ق.ت که در مورد شرکت‌های تجاری حکم خاص تلقی می‌گردد، باشد.

وصف ثبات و دائمی بودن آن انتزاع می‌گردد، اما به موجب اصل تغییرپذیری اقامتگاه، اقامتگاه شخص یک امر همیشگی نیست بلکه دائمی بودن آن یک امر نسبی است (صفار، همان: ۲۹۳؛ نصیری، همان: ۸۷).

تغییر اقامتگاه شرکت‌های تجاری به معنای انتقال آن از محلی به محل دیگر در داخل یا از کشور به کشور دیگر منع قانونی ندارد. چنانچه شرکت‌ها قصد تغییر اقامتگاه شرکت در داخل کشور را داشته باشند می‌توانند از طریق تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام نمایند زیرا در اساسنامه یا شرکت‌نامه اقامتگاه شرکت معین می‌شود، که در ابتداء تشکیل شرکت باید به تصویب مجمع عمومی مؤسسين و در طول حیات تغییر آن‌ها نیز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد (مواد ۸۳ لایحه اصلاحی و ۱۱۱ ق.ت.).

در تغییر اقامتگاه شرکت از کشور به کشور دیگر چون طبق ماده ۵۹۱ ق.ت تابعیت اشخاص حقوقی بستگی به اقامتگاه آنان دارد و تغییر اقامتگاه در تغییر تابعیت تاثیر دارد، باید دید آیا تغییر تابعیت اشخاص حقوقی امکان‌پذیر هست یا خیر؟ اجمالاً باید بگوییم که می‌توان تابعیت شرکت‌های تجاری را از کشوری به کشور دیگر انتقال داد. توضیح مطلب در بحث تغییر تابعیت مؤسسات غیرتجاری بیان خواهد شد.

تغییر اقامتگاه شرکت‌های غیرتجاری چه انتقال آن از یک محل به محل دیگر یا از کشور به کشور دیگر، بمانند شرکت‌های تجاری، امکان‌پذیر است.

معمولاً اقامتگاه مؤسسه در اساسنامه معین می‌شود و مؤسسه حین ثبت باید اقامتگاه خود را معین کند، اما آیا مؤسسه می‌تواند دارای دو اقامتگاه یک اقامتگاه اساسنامه‌ای و دیگری اقامتگاه قراردادی^۵ باشد، یا این که اقامتگاه مؤسسه همان است که در اساسنامه تعیین شده، و امکان تعیین اقامتگاه قراردادی (خاص) نیست؟

بعنوان مثال مؤسسه در تهران تشکیل شده، و در اساسنامه تهران را اقامتگاه خود معین می‌کند، ولی در محل دیگری جز تهران فعالیت می‌کند، و یا در قراردادی خاص با شخصی، محل دیگری را بعنوان اقامتگاه معرفی می‌کند، از نظر اشخاص ثالث اقامتگاه مؤسسه در تهران است یا در محل دیگری که در قرارداد معین شده است؟ طبق ماده ۱۰۰۳ ق.م. «هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد» اما ماده ۱۰۱۰ همان قانون مقرر می‌دارد: «اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله با یکی از آن‌ها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجع به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد...» مطابق ماده مزبور که تعیین محل اقامت قراردادی را جایز دانسته می‌توان به سؤال مطرح شده پاسخ مثبت داد. بعلاوه بموجب ماده ۱۰ ق.م. چنین قراردادی چون مخالف صریح قانون نمی‌باشد پس صحیح است. بنابراین مؤسسه می‌تواند یک اقامتگاه اساسنامه‌ای داشته باشد و یک اقامتگاه غیر اساسنامه‌ای (اقامتگاه خاص)، و این اقامتگاه فقط در صورتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که اشخاص ملی قراردادی جداگانه با مؤسسه آن را قبول کرده باشند.

^۵ اقامتگاه قراردادی، اقامتگاهی است که شخص حقوقی فقط برای انجام بعضی از امور، محلی را غیر از محل تعیین شده در اساسنامه تعیین می‌نماید، و این نوع اقامتگاه فقط نسبت به موضوع خاص مثل انعقاد قرارداد یا اقامه دعوی انتخاب می‌شود.

^۶ ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.»

گفتار سوم: تابعیت تشکیلات و شرکتهای غیرتجاری**بند اول: مفهوم و فایده تابعیت شخص حقوقی**

با قبول شخصیت حقوقی برای اشخاص حقوقی، شخص حقوقی مانند شخص حقیقی دارای تابعیتی مستقل از تابعیت اعضاء و شرکاء خواهد بود. عامل تابعیت همانند اقامتگاه از ممیزات و مختصات اشخاص حقوقی و از موجبات تقسیم جغرافیایی اشخاص در جامعه بین‌المللی می‌باشد. در تعریف تابعیت گفته شده است: «تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی و معنوی که یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا یک شیء را به دولتی مرتبط و متصل می‌کند» (نصیری، ۱۳۹۲: ۲۹۱).

این ارتباط از این جهت جنبه روحی و معنوی دارد که مربوط به زمان و مکان مشخص نیست که شخص در آنجا سکونت دارد، و از این لحاظ واجد وصف سیاسی است که از حاکمیت دولتی که شخص را از خودش می‌داند، ناشی می‌شود (نصیری، همان: ۲۶). شخصی را که دارای تابعیت کشور معینی باشد «تبعه» می‌نامیم.

شناسایی تابعیت برای اشخاص حقوقی علاوه بر حقوق داخلی در روابط بین‌المللی دارای منشأ اثر حقوقی و اهمیت فراوان است. مهمترین اثر تابعیت، حمایت سیاسی است. همان‌طور که در تعریف به آن اشاره کردیم، تابعیت یک رابطه سیاسی است و دولت‌ها در صورتی موظفند که از شخص حقوقی حمایت دیپلماتیک نمایند^۷ که تابع آن کشور باشد. از حیث برخورداری از حقوق و مزایا در بسیاری موارد قانون‌گذار حقوقی را تنها برای اتباع کشور شناسایی می‌کند، در صورتی اشخاص حقوقی واقع در کشوری از آن بهره‌مند می‌شوند که تابع آن کشور باشند، و اشخاص حقوق تبعه بیگانه که در کشور دیگر فعالیت می‌کنند از برخی حقوق و مزایا محروم هستند چنان‌چه ممکن است از بعضی تکالیف معاف باشند. بموجب اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». بنابراین «بوسیله عامل تابعیت می‌توان معین نمود که شخص حقوقی، می‌تواند به چه نوع فعالیت‌هایی بپردازد و از اشتغال به چه امور ممنوع است» (نصیری، همان: ۳۲۰).

اثر دیگری که بر تابعیت مترتب است، سپردن تأمین مناسب در اقامه دعوی می‌باشد. معمولاً در اقامه دعوی توسط اتباع کشور نیازی نیست که تأمین بسپارند، اما اتباع خارجه اصولاً قبل از آغاز دعوی باید تأمین مناسب بسپارند. بنابراین تعیین تابعیت مشخص می‌کند که آیا شخص حقوقی در اقامه دعوی باید تأمین مناسب بسپارد یا خیر (ماده ۱۴۴ ق.آ.د.م).

بند دوم: ملاک تعیین تابعیت شرکتهای غیرتجاری

ملاک تابعیت اتباع هر کشور توسط قانون آن کشور تعیین می‌شود. این قانون در حالت مطلوب خود باید واقع‌گرا، صادقانه و قابل‌پیش‌بینی باشد. یعنی باید بین دولت متبوع و شخص تابع رابطه‌ای واقعی برقرار باشد، رابطه‌ی مزبور پوشش برای فرار از موانع یا استفاده از تسهیلات نباشد و تردیدی نیز در آن راه نیابد (شاپیرا^۸، ۱۳۹۵: ۸۰).

همان‌طور که در مورد ماهیت اشخاص حقوقی عقاید مختلفی وجود دارد (و مباحث مربوط به آن را مفصلاً بیان کردیم) در مورد تابعیت اشخاص حقوقی علماء حقوق تئوری‌ها و ضابطه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند که به شرح آن می‌پردازیم.

^۷ حمایت سیاسی عبارتند از: مجموعه اقدامات یک دولت در نزد دولت دیگر بمنظور جبران و ترمیم خسارتی که در اثر ارتکاب عمل خلاف حقوق دولت خارجی به یکی از اتباع او اعم از حقیقی یا حقوقی وارد شده است (صفا، همان: ۳۱۸).

^۸ Shapira .

۱- تابعیت اعضا: طبق این ضابطه تابعیت اشخاص حقوقی مطابق با تابعیت اعضاء و شرکاء آنها خواهد بود و اشخاص حقوقی دارای تابعیتی می‌باشند که اعضاء و شرکاء آنها دارند. اشکالات وارد بر ملاک مزبور این است که اشخاص حقوقی دارای شخصیتی جدا از شخصیت اعضاء و شرکاء هستند و نمی‌توان تابعیت آنان را منوط به تابعیت اعضا آنها نمود. بعلاوه مؤسسين و تشکیل‌دهندگان شرکت خصوصاً شرکت سهامی ممکن است دارای شرکاء متعدد و با تابعیت مختلف باشند، در این صورت این اشکال پیش خواهد آمد که تابعیت شرکت را تابع کدام یک از شرکاء بدانیم، در نتیجه تابعیت شرکت نامعلوم می‌شود (نصیری، همان: ۱۳۳). البته بعضی در این مورد اکثریت شرکاء را برای تعیین تابعیت شرکت پیشنهاد نمودند، اما از آنجا که وجود سهام بخصوص سهام بی‌نام در شرکت‌های سهامی قابل نقل و انتقال است و با انتقال سهم ممکن است اکثریت پیش‌بینی شده برای تعیین تابعیت شرکت از بین برود لذا اجرای این ضابطه درباره تمامی شرکت‌ها میسر نبوده و با اشکال مواجه خواهد شد (صفا، همان: ۳۳۹)

۲- اراده مؤسسين: طرفداران این عقیده می‌گویند تابعیت اشخاص حقوقی را باید به اراده افراد اعم از مؤسسين یا شرکاء آنها واگذار نمود. عقیده مزبور از دو جهت ایراد شده است:

اولاً: تابعیت یک امر سیاسی و مربوط به حاکمیت دولت‌هاست، بنابراین نمی‌توان آن را به اراده مؤسسين محول ساخت که هر تابعیتی را خواستند برای اشخاص حقوقی انتخاب کنند (کیانی، همان: ۱۱۸).

ثانیاً: این امر زمینه فرار مؤسسين از قواعد و مقررات کشور محل فعالیت را فراهم ساخته و ممکن است مؤسسين آن تابعیت کشور دیگری را بپذیرند و از مقررات جاریه کشور محل اقامت یا مرکز عملیات خود سرپیچی نمایند (ارفع‌نیا، همان: ۱۳۶).

۳- محل تشکیل شخص حقوقی: مطابق این ضابطه، شخص حقوقی تابعیت کشوری را دارد که در آنجا تشکیل شده است. از آنجا «که در اکثر کشورها، محل تشکیل شرکت، محل ثبت آن می‌باشد، لذا از این سیستم به ضابطه «محل ثبت شخص حقوقی» نیز نام برده‌اند» (صفا، همان: ۳۴۱).

این ملاک در رای‌ی که کمیسیون آلمان و مکزیک در سال ۱۹۳۰ (در مورد یک شرکت با مسئولیت محدود که در آلمان تشکیل شده و اداره مرکزی آن نیز در همان کشور بوده اما فعالیت آن در مکزیک بوده) مورد توجه و استفاده قرار گرفته است (همان: ۳۴۱).

ضابطه مزبور دارای دو اشکال است:

اولاً: طبق قانون هر کشور زمان تشکیل شرکت در هر کشوری متفاوت از کشور دیگر است زیرا برای تشکیل یک شخص حقوقی مراحل گوناگونی از قبیل تنظیم سند رسمی، شرکت‌نامه و اساس‌نامه، پذیره‌نویسی و تادیه مبالغ نقدی وجود دارد که اگر ضابطه مزبور را ملاک تعیین تابعیت شخص حقوقی بدانیم، در این صورت با این سؤال مواجه می‌شویم که زمان تشکیل شرکت چه زمانی می‌باشد، زمان انجام پذیره‌نویسی، زمان ثبت شرکت در مراجع ثبتی؟ و یا امضاء اساس‌نامه؟ بنابراین اگر برخی از تشریفات در کشوری غیر از کشوری که اعضاء شرکت در آنجا اقامت دارند انجام پذیرد، در این صورت مشخص نیست که شرکت در چه محلی تشکیل شده است (کیانی، همان: ۱۱۸).

ثانیاً: ضابطه محل تشکیل شرکت برای تعیین تابعیت اشخاص حقوقی راه حيله و تقلب را باز می‌کند زیرا ممکن است شرکتی در کشوری تشکیل و تابعیت آن را تحصیل کند، و از مزایای تابعیت بهره‌مند شود ولی عملاً در کشور دیگری فعالیت کند (ارفع‌نیا، همان: ۱۳۶).

۴- مرکز اصلی شخص حقوقی: عده‌ای شرکت را تابع کشوری می‌دانند که مرکز اصلی یا اداره شرکت در آن واقع است. این نظریه تا قبل از جنگ جهانی اول در فرانسه برای تعیین تابعیت شرکت‌ها مورد توجه بوده ولی مورد قبول رویه قضایی قرار نگرفت (اسکینی، همان: ۶۰).

اشکالی که بر این ضابطه وارد است این است که مرکز اصلی ممکن است بصورت صوری و غیرصوری در کشوری که تابعیت آن مورد نظر است تعیین گردد ولی مرکز واقعی آن که تصمیمات و دستورالعمل‌ها از آن جا صادر می‌شود در کشور دیگر باشد. برای رفع این اشکال و اجرای صحیح ضابطه مرکز اصلی شرکت ملاک کنترل عنوان شده است که بموجب آن شرکت تابعیت کشوری را دارد که صاحبان سرمایه شرکت تابع آن هستند. بعبارت دیگر برای تعیین مرکز اصلی شرکت، باید بررسی شود که اکثریت سرمایه یا منابع مربوط به اتباع کدام دولت است، چنانچه با این بررسی و کنترل مشخص شود که محل اداره شرکت صوری بوده و برای فرار از مقررات جاریه کشور مربوطه، در کشور دیگری تعیین شده، آن شرکت تابعیت کشوری را دارد که صاحبان سرمایه شرکت تابع آن هستند (اسکینی، همان: ۶۱).

۵- مرکز فعالیت شخص حقوقی: طبق این ملاک، شخص حقوقی، تابعیت کشوری را دارد که مرکز فعالیت و عملیات مادی او در آن جا قرار دارد. قانون مدنی در ماده ۱۰۰۲، در مورد اقامتگاه اشخاص حقوقی این ضابطه را پذیرفته است. این ضابطه نیز میرا از ایراد نیست زیرا ممکن است شخص حقوقی در کشورهای مختلف فعالیت داشته باشد و مرکز فعالیت آن دائماً در تغییر باشد. با توجه به تئوری‌های ارائه شده باید دید کدام یک از ملاک‌ها در حقوق ایران پذیرفته شده است؟ پاسخ سؤال در بحث تابعیت شرکت‌های غیرتجاری خواهد آمد.

بند سوم: تابعیت شرکت‌های غیرتجاری

در مورد تابعیت شرکت‌ها قانون مدنی ساکت است، اما ماده ۵۹۱ ق.ت.مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است». ماده یک قانون ثبت شرکت‌ها نیز مشعر بر این است که: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.» با تلفیق این دو ماده سه فرض در مورد تابعیت شرکت‌ها متصور است:

- ۱- تشکیل شرکت در ایران و مرکز اصلی آن هم در ایران باشد چنین شخص حقوقی دارای تابعیت ایران است.
 - ۲- تشکیل شرکت در ایران باشد بدون آن که مرکز اصلی در ایران باشد، طبق ماده ۵۹۱ ق.ت. چنین شخص حقوقی دارای تابعیت کشوری است که مرکز اصلی آن در آن جا واقع است.
 - ۳- عکس فرض دوم، که تشکیل شخص حقوقی در ایران نباشد اما مرکز اصلی آن در ایران باشد، در این فرض، طبق ماده یک قانون ثبت شرکت‌ها، چنین شخص حقوقی خارجی است، چون در ایران تشکیل نشده است. در حالی که طبق قانون تجارت دارای تابعیت ایران می‌باشد، چون اقامتگاه آن در ایران است. در این مورد باید به قانون تجارت مراجعه کنیم چون قانون مزبور بعد از قانون ثبت شرکت‌ها تصویب شده، در نتیجه باید ناسخ آن باشد. بنابراین در فرض سوم شرکت تجاری تابعیت ایران را خواهد داشت حتی اگر در خارج تشکیل شده باشد، از توضیحات فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سیستم حقوقی ایران ملاک مرکز اصلی در مورد تابعیت شرکت‌های تجاری قابل اعمال است.
- بر اصول مذکور دو استثناء وارد است:

۱- در مورد بانک‌ها قانون‌گذار ضابطه تابعیت را میزان معینی از سهام شرکاء خارجی قرار داده است.^۹ طبق بند ج ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «هر بانکی که بیش از ۴۰ درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارجه یا اشخاص حقوقی خارجی باشد از نظر این قانون بانک خارجی محسوب می‌شود و باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت برسد.»

۲- استثناء دوم راجع به شرکت‌های هواپیمایی است که اگر بیش از ۴۹ درصد سهام‌هایشان متعلق به اتباع بیگانه باشد به حکم مقررات تأسیس حمل هوایی و دریایی خارجی تلقی می‌شوند.

در مورد تابعیت مؤسسات غیرتجاری نمی‌توان قاعده مربوط به تابعیت شرکت‌های تجاری را اعمال نمود، چرا که در بحث نحوه تعیین اقامتگاه گفتیم که اقامتگاه مؤسسات غیرتجاری مرکز عملیات آن است و از طرفی ماده ۵۹۱ ق.ت. تابعیت اشخاص حقوقی را به اقامتگاه آن موکول کرده است، بنابراین بنظر می‌رسد که ملاک تعیین تابعیت مؤسسات غیرتجاری اقامتگاه مدنی (مرکز عملیات) است.

دادرسی-تغییر تابعیت تشکیلات و شرکت‌های غیرتجاری

در مورد امکان تغییر تابعیت باید گفت که در سابق عموماً دولت‌ها به تبعه خود اجازه نمی‌دادند که به آسانی ترک تابعیت نماید، و تابعیت یک رابطه ابدی و غیرقابل تغییری بشمار می‌رفت. حتی در بعضی از قوانین مثل قانون امپراطوری عثمانی و روسیه تزار رابطه شخص نسبت به دولت یک رابطه مادام‌العمر بود که شخص قادر نبود که خودش را از قید تابعیت رها سازد. اما از نیمه دوم قرن نوزدهم دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که ممکن است تبعه دلایل موجهی داشته باشد که بخواهد تابعیت خود را تغییر دهد.

علاوه بر این همیشه به مصلحت دولت‌ها نیست که شخص را به اجبار تبعه خود بدانند. بدین ترتیب امروزه این مساله پذیرفته شده و در قوانین اساسی بیش‌تر ممالک و هم‌چنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است (نصیری، همان: ۴۸).

در رابطه با تغییر تابعیت شخص حقوقی ممکن است شرکاء ضروری بدانند که اقامتگاه آن را از کشور به کشور دیگر منتقل نمایند، و در نتیجه تابعیت شخص حقوقی تغییر یابد. یا این‌که شرکاء مستقیماً تصمیم به تغییر تابعیت اشخاص حقوقی بگیرند. حال این سوال مطرح می‌شود، آیا اصولاً تغییر تابعیت اشخاص حقوقی مجاز است یا خیر؟

برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که تابعیت امری سیاسی بوده و قوانین و مقررات مربوط به آن نیز از قواعد آمره است. بنابراین نمی‌توان آن را به اراده افراد اعم از مؤسسین یا شرکاء محول نمود که به میل خود هر تابعیتی را انتخاب کنند (ارفع‌نیا، همان: ۱۳۶). این استنباط صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا «همان‌گونه که قانون اساسی ایران تابعیت را بعنوان یک حق مسلم مطرح نموده (اصل ۴۱ قانون اساسی)، وقتی اخذ یک تابعیت حق باشد، ترک همان تابعیت نیز از حقوق شخص تلقی می‌گردد. پس تغییر تابعیت نیز یک حق می‌باشد و اصل این است که اشخاص حقوقی، مطابق قاعده اشتراک احکام شخص حقیقی و شخص حقوقی و ماده ۵۸۸ قانون تجارت از همه حقوق و تکالیف مربوط به افراد، بجز آنچه مختص به طبیعت انسانی نیست» (صفار، همان: ۳۲۸)، بنابراین تغییر تابعیت اشخاص حقوقی از جمله مؤسسات غیرتجاری به مفهوم انتقال آن از کشور به کشور دیگر

^۹ طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی، در حال حاضر بانک‌داری در اختیار دولت است.

امکان پذیر است. بعلاوه قانون تجارت در شرکت‌های سهامی (ماده ۹۴ لایحه اصلاحی) و شرکت با مسوولیت محدود (ماده ۱۱۰ ق.ت) تغییر تابعیت را با شرایطی ممکن دانسته است.

بخش دوم: اداره و کنترل تشکیلات و شرکت‌های غیرتجاری

گفتار اول: اداره شرکت‌های غیرتجاری

رکن دیگر شرکت‌های غیرتجاری دستگاه اداره‌کننده آن است. قوام و توفیق هر تشکیلاتی به وضعیت و مهارت هیأت مدیره آن بستگی دارد. اگر هیأت مدیره فعال و کارآمد باشد، نفع بیش‌تری به جامعه و شرکاء خواهد رسید. شرکت‌های غیرتجاری مانند سایر اشخاص حقوقی برای اداره امور و انجام عملیات خود به متصدیانی نیازمند است. که این، این عمل توسط مدیران آن‌ها انجام می‌پذیرد.

۱- چگونگی انتخاب مدیران: انتخاب مدیر ممکن است ضمن تنظیم اساس‌نامه یا شرکت‌نامه صورت گیرد. چنان‌چه مدیر یا مدیران حین تنظیم اساس‌نامه یا شرکت‌نامه معین نشده باشند انتخاب آن‌ها با مجمع عمومی عادی مؤسسه است و نیز تجدید انتخاب مدیران یا انتخاب مدیران بعدی با مجمع عمومی عادی است.

شرایط خاصی برای مدیریت مؤسسه بنظر نمی‌رسد لذا هر کس که دارای اهلیت باشد می‌تواند مدیر یک مؤسسه غیرتجاری باشد. البته به نظر می‌رسد که در بعضی از مؤسسات حقوقی، یا مهندسی داشتن مدارک تحصیلی مرتبط با آن برای مدیر الزامی باشد. مدیر ممکن است شخص حقیقی یا شخص حقوقی باشد. در صورتی که شخص حقوقی مدیر انتخاب گردد باید یک نفر را به نمایندگی از طرف خود جهت انجام وظایفی که بعهده مدیر است معرفی نماید. در این صورت شخص حقوقی همان مسوولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند، بشرط آن‌که جانشین او را کتباً به مؤسسه معرفی نماید.

مدیر در شرکت غیرتجاری می‌تواند موظف باشد، یعنی بجای حق حضور از مؤسسه حقوق دریافت کند، و نیز می‌تواند غیرموظف باشد. اعضاء غیرموظف مدیران در قبال سمت حق دریافت وجهی بابت حقوق یا حق‌الزحمه ندارد (مستفاد از ماده ۱۰۴ ق.ت).

۲- ترکیب اعضاء هیأت مدیره: اعضاء هیأت مدیره یک نفر را بعنوان رئیس هیأت مدیره و یک نفر را بعنوان مدیر عامل تعیین می‌نماید. رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل در اولین جلسه از بین اعضاء هیأت مدیره یا خارج از آن و برای مدتی که بیش از مدت عضویت آن‌ها در هیأت مدیره نخواهد بود، تعیین می‌شوند. هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نائب رئیس هیأت مدیره را عزل کند.

اداره جلسات هیأت مدیره با رئیس هیأت مدیره است، و در غیاب او نائب رئیس موظف به انجام آن خواهد بود. مدیرعامل در حدود اختیاراتی که از طرف هیأت مدیره به او تفویض شده نماینده مؤسسه محسوب می‌شود و حق امضاء دارد. نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل با ارسال نسخه‌ای از صورت‌جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار مؤسسه برای اطلاع عموم منتشر می‌شود.

۳- اختیارات مدیران: مستفاد از ماده ۱۰۵ ق.ت مدیران طبق مقررات و اساس‌نامه نماینده مؤسسه محسوب می‌شوند. منظور از نمایندگی در این‌جا همان نظریه «رکن» یا «نمایندگی ارگانیک» است.

مدیران مؤسسه اختیارات لازم را برای اداره امور مؤسسه خواهند داشت مگر این که اساس نامه ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. محدود کردن اختیارات مدیران بعد از امضاء اساس نامه ممنوع است، در صورتی که چنین قراردادی بین شرکاء مقرر شده باشد نسبت به اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن خواهد بود. البته اختیارات مدیران باید در حد موضوع مؤسسه باشد. مسؤولیت مدیران تابع عام مسؤولیت است. در صورت ارتکاب تقصیر و اعمال غیر قانونی و زیان آور یا در مواقعی که مطابق اساس نامه عمل نکرده باشند دارای مسؤولیت مدنی و کیفری خواهند بود.

گفتار دوم: کنترل شرکت های غیر تجاری

رکن سوم از ارکان شرکت های غیر تجاری بازرس یا بازسان است. اعضاء مؤسسات غیر تجاری برای کنترل اداره امور مؤسسه می-توانند یک یا چند نفر را بعنوان بازرس معین کنند تا بازرس یا بازسان به نمایندگی از سوی آنان و بدون دخالت در مدیریت مؤسسه عملیات آن را از طریق رسیدگی به دفاتر، صورت حساب ها، مدارک و اسناد کنترل نمایند. اولین بازرس یا بازسان در شرکت های غیر تجاری توسط تمامی اعضاء و موقع تنظیم و امضاء اساس نامه تعیین می شوند. انتخاب بعدی بازرس یا بازسان با مجمع عمومی عادی است که این مجمع هر سال پس از تشکیل جلسه مبادرت به انتخاب آنان می نماید. اغلب مدت مأموریت بازرس یا بازسان یک سال است. ولی ممکن است برای بیش تر از یک سال هم انتخاب شوند. انتخاب مجدد بازرس یا بازسان بلامانع است.

بخش سوم: انحلال و تصفیه تشکیلات و شرکت های غیر تجاری

انحلال مؤسسه به منزله پایان عمر آن است و لازمه پایان عمر مؤسسه این است که رابطه حقوق بین چند شخص که منجر به ایجاد شخصیت حقوقی شده است، از بین برود و نیز دارایی جمعی از حالت مشاع بیرون آورده شود و بعد از پرداخت دیون و مطالبات میان آنان تقسیم گردد.

قانون گذار در باب شرکت های تجاری در پایان مباحث مربوط به هر شرکت موادی را به انحلال شرکت اختصاص داده است. در رابطه با انحلال مؤسسات غیر تجاری تنها آیین نامه اصلاحی تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری طی مواد ۱۰ و ۱۱ بطور اختصار به آن پرداخته است. در این فصل با استفاده از قواعد کلی مشترک راجع به انحلال شرکت ها و همچنین آیین نامه اصلاحی، به انحلال مؤسسات غیر تجاری و آثار آن در دو بخش خواهیم پرداخت.

گفتار اول: انحلال تشکیلات و شرکت های غیر تجاری

انحلال شرکت های غیر تجاری تابع قواعد عام مربوط به شرکت های مدنی و تجاری است. از این رو مؤسسات مزبور در موارد زیر منحل می شود:

بند اول: انتفاع موضوع مؤسسه

گفتیم موضوع مؤسسه دارای دو معنای متفاوت است: آورده ای که به مؤسسه گذاشته می شود، و اهداف و فعالیتی که مؤسسه برای رسیدن به آن تشکیل می شود. هرگاه موضوع مؤسسه بدلیل انجام آن و یا از بین رفتن، منتفی شود، هم چنین زمانی که انجام دادن هدفی که مؤسسه برای آن تشکیل شده بود غیر ممکن شود، یا نوع فعالیت مندرج در اساس نامه از طرف قانون

ممنوع گردد مؤسسه منحل خواهد شد. مفاد بند یک ماده ۹۳ ق.ت مبنی بر این که «وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد» متضمن همین معناست^{۱۰}.

بند دوم: انقضاء مدت مؤسسه

هرگاه در اساس نامه برای فعالیت مؤسسه مدت معین شده باشد و با انقضاء مدت اعضاء رضایت خود را به تمدید آن ابراز نکرده باشند، مؤسسه منحل می‌شود. چون تعیین مدت بمنزله توافق قبلی اعضاء مبنی بر انحلال مؤسسه بعد از پایان یافتن مدت است.

بند سوم: انحلال مبنی بر اراده اعضاء

در این مورد باید بین فرضی که در آن کلیه اعضاء تصمیم به انحلال مؤسسه می‌گیرند و فرضی که در آن یک یا چند نفر از اعضاء انحلال مؤسسه را تقاضا کنند، تفکیک کرد.

۱- انحلال مبنی بر رضایت تمام اعضاء: همان طور که تشکیل مؤسسه ناشی از اراده شرکاء است و اشخاص در ایجاد آن آزادی کامل دارند، بعد از تشکیل، انحلال آن نیز با اراده شرکاء میسر است. رضایت کلیه اعضاء به انحلال مؤسسه وقتی مطرح است که مؤسسه برای مدت نامحدود تشکیل شده و یا مدت مؤسسه که در اساس نامه پیش‌بینی شده به پایان نرسیده باشد. وگرنه اگر مؤسسه دارای مدت بوده و مدت نیز به پایان رسیده باشد بدون دخالت اراده شرکاء مؤسسه منحل می‌شود. چون شرکاء با تعیین مدت برای مؤسسه قبلاً رضایت خود را به انحلال آن در زمان مقرر ابراز کرده‌اند. بهر ترتیب، اگر قبل از پایان حیات مؤسسه تمامی شرکاء به انحلال آن رضایت دهند مؤسسه منحل می‌شود (مستفاد از بند ب ماده ۱۳۶ و مواد ۱۶۱ و ۱۸۹ ق.ت).

۲- انحلال به اراده یکی از اعضاء: هرگاه یکی از اعضاء، قرارداد مؤسسه را فسخ کند مؤسسه منحل اعلام می‌گردد. چون طبق ماده ۵۸۶ ق.م: «اگر برای شرکت در ضمن عقد لازمی مدت معین نشده باشد هر یک از شرکاء هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند.» هم‌چنین ماده ۵۸۹ ق.م در این زمینه مقرر داشته: «هر شریک‌المال می‌تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید مگر در مواردی که تقسیم بموجب این قانون ممنوع یا شرکاء بوجه ملزومی ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند.»^{۱۱} مع‌ذلک، برای این که از حق قسح قرارداد سوءاستفاده نشود، شریک و عضو مؤسسه در صورتی می‌تواند از این حق استفاده کند که اولاً: اساس نامه این حق را از او سلب نکرده باشد. بدین ترتیب هرگاه شرکاء ضمن عقد لازمی ملتزم به بقاء مؤسسه شده باشند نمی‌توانند قرارداد مؤسسه را فسخ نمایند. ثانیاً: حق فسخ قرارداد بقصد اضرار بدیگری نباشد زیرا قانون به اشخاص اجازه نمی‌دهد که اعمال حق خود را وسیله اضراری دیگری قرار دهد.

بند چهارم: انحلال بواسطه فوت و حجر یکی از شرکاء

قانون تجارت در بحث انحلال شرکت‌های تجاری یکی از عوامل انحلال شرکت را فوت و حجر یکی از شرکاء اعلام می‌کند. در شرکت با مسؤولیت محدود فوت یکی از شرکاء در صورتی موجب انحلال شرکت می‌شود که چنین امر در اساس نامه پیش‌بینی

^{۱۰} لازم به توضیح است که ماده ۹۳ ق.ت مصوب ۱۳۱۱ برابر ماده ۲۹۹ لایحه اصلاحی مصوب ۱۳۴۷، در مورد سایر شرکت‌ها به جز شرکت‌های سهامی به قوت خود باقی است.

^{۱۱} علت استناد به قانون مدنی این است که مؤسسات غیرتجاری خصوصاً مؤسسات انتفاعی در واقع یک نوع مشارکت مدنی است.

شده باشد (بند و ماده ۱۱۴ ق.ت). همچنین در شرکت تضامنی در صورتی که یکی از شرکاء فوت کند و یا محجور شود بقاء شرکت منوط به رضایت شرکاء یا قائم مقام قانونی آنها می‌باشد.

قانون مدنی نیز در باب شرکت، فوت و حجر یکی از شرکاء را سبب انحلال شرکت دانسته است. ماده ۵۸۸ قانون مزبور در این زمینه مقرر می‌دارد: «در موارد ذیل شرکاء ماذون در تصرف اموال مشترک نمی‌باشند: ... ۲- در صورت فوت یا محجور شدن یکی از شرکاء». بنابراین یکی از عوامل انحلال مؤسسه غیر تجاری را می‌توان فوت یا حجر یکی از اعضاء دانست زیرا اثر قرارداد مؤسسه همانند شرکت عقدی یک نوع اعطاء نیابت و نمایندگی به مدیران مؤسسه است لذا قرارداد مؤسسه مانند سایر عقود جایز به فوت و حجر یکی از شرکاء منحل می‌شود.

لازم به ذکر است، در صورتی که شرکاء و قائم‌مقام قانونی متوفی تصمیم به ادامه حیات مؤسسه بگیرند، مؤسسه می‌تواند به حیات خود ادامه بدهد.

بند پنجم: در صورت صدور حکم انحلال از دادگاه

هرگاه یکی از شرکاء بدلائلی انحلال مؤسسه را از دادگاه تقاضا نماید. بعنوان مثال یکی از اعضاء به تکلیف قانونی خود عمل نکند، یا این که مدیر مؤسسه در اثر بیماری یا علل دیگر قادر به اداره امور مؤسسه نباشد، در صورتی که دادگاه دلایل متقاضی را موجه تشخیص بدهد حکم به انحلال مؤسسه می‌دهد.

بخش چهارم: آثار و نتایج انحلال تشکیلات و شرکت‌های غیر تجاری

گفتار اول: ثبت و اعلام انحلال

برای این که انحلال مؤسسات غیر تجاری منتهی به سوءاستفاده و تضییع حقوق طلب‌کاران مؤسسه نشود، باید طبق ماده ۲۰۰ ق.ت ناظر به مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ همان قانون و برابر نظام‌نامه وزارت عدلیه قانون مزبور، ثبت و آگهی آن جهت اطلاع عموم منتشر شود. در صورت عدم اعلام انحلال مؤسسه از طریق ثبت شرکتهای، انحلال نسبت به اشخاص ثالث بلااثر و کان‌لم‌یکن تلقی خواهد شد.

ماده ۹ نظام‌نامه قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در این زمینه چنین مقرر داشته: «در هر موقع که تصمیماتی راجع به تمدید شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه، یا تغییر در تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تغییر دیگر در اساس‌نامه یا تبدیل و یا خروجی بعضی از شرکاء ضامن از شرکت اتخاذ شود، و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می‌یابند... مقررات این نظام‌نامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود». بهر ترتیب مدیران مؤسسات غیر تجاری مکلفند که انحلال مؤسسه را با ارائه مدارک مورد نیاز در اداره ثبت شرکتهای به ثبت رسانده، سپس ظرف ماه اول از تاریخ ثبت مراتب انحلال را با هزینه خود مؤسسه در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت منتشر نمایند (مستنبط از ماده ۶ نظام‌نامه و مواد ۲۰۰ و ۱۹۷ ق.ت).

گفتار دوم: تصفیه شرکتهای غیر تجاری

همانطور که گفتیم شرکتهای غیر تجاری در موارد معینی منحل می‌گردد. پس از انحلال اعم از این که انحلال مؤسسه بواسطه انقضاء مدت یا منتفی شدن موضوع و یا علل دیگر باشد ممکن است بخشی از تعهدات، دیون و یا مطالبات مؤسسه بلا اقدام باقی مانده باشد که باید ترتیب تصفیه آن داده شود.

بموجب ماده ۱۰ و ۱۱ آیین‌نامه اصلاحی، در صورتی که انحلال مؤسسه اختیاری و بموجب اساس‌نامه باشد تصفیه آن توسط مدیر یا مدیران تابع مقررات مندرج در اساس‌نامه می‌باشد. چنانچه متصدی امر تصفیه و چگونگی انجام آن در اساس‌نامه مشخص نشده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده یک نفر با عنوان مدیر تصفیه با تعیین حدود اختیارات آن معرفی می‌نماید. اگر انحلال به موجب حکم دادگاه باشد، امر تصفیه به عهده مدیر تصفیه مقرر در اساس‌نامه خواهد بود. در صورتی که متصدی تصفیه معین نشده باشد، دادگاه ضمن حکم انحلال یک نفر را برای تصفیه معین می‌کند، در این قبیل موارد امور مربوط به تصفیه مطابق قانون تجارت و تصفیه امور شرکتهای صورت می‌گیرد.

بند اول: وظایف و اختیارات مدیران تصفیه

وظایف و اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه مؤسسات غیر تجاری منحل را با توجه به مواد ۲۰۷^{۱۲} و ۲۱۸^{۱۳} ق.ت می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱-انجام امور جاری و اجرای تعهدات: مؤسسه هنگام تصفیه ممکن است تعهداتی داشته باشد، متصدیان امر تصفیه باید در خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و پرداخت دیون آن در سررسید اقدام نمایند. زیرا با انحلال مؤسسه تعهدات آن از بین نرفته و مؤسسه موظف است تعهداتی که قبل از اعلام انحلال تقبل کرده است انجام دهد. مستفاد از ماده ۲۰۸ ق.ت با اعلام انحلال مؤسسه مدیران تصفیه نمی‌توانند معاملات جدید انجام دهند. مع ذلک اگر برای اجرای تعهدات مؤسسه معاملات جدیدی لازم باشد، متصدیان امر تصفیه آن را انجام خواهند داد.

۲-وصول مطالبات: چنانچه مؤسسه از اشخاص خارج و یا از شرکاء مطالباتی داشته باشد، مدیران تصفیه موظفند جهت وصول آن اقدام نمایند، و در صورت لزوم متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا توسط وکیل در دادگاه از جانب مؤسسه علیه اشخاص و بدهکار آن طرح دعوی کنند، و یا از دعاوی مطروحه علیه مؤسسه دفاع نمایند (مستنبط از ماده ۲۰۹ ق.ت).

۳-تقسیم دارایی: اصولاً تقسیم دارایی مؤسسه بعد از انجام تعهدات، وصول مطالبات و پرداخت دیون آن صورت می‌گیرد، لیکن آن قسمت از دارایی مؤسسه در مدت تصفیه مورد نیاز نباشد بطور موقت بین شرکاء تقسیم می‌گردد مشروط بر آن که معادل دیونی که هنوز موعد پرداخت آن نرسیده و هم‌چنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف می‌باشد کسر نمایند (مستنبط از ماده ۲۱۱ ق.ت).

لازم به ذکر است که تقسیم دارایی شرکتهای غیر تجاری در صورتی امکان‌پذیر است که مراتب سه مرتبه در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار که آگهی مربوط به مؤسسه در آن درج می‌گردد آگهی شده و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلام نیز گذشته باشد (مستنبط از ماده ۲۱۵ ق.ت).

^{۱۲} ماده ۲۰۷: «وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲.»
^{۱۳} ماده ۲۱۸: «هر شرکتی مجاز است در اساس‌نامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.»

مدیران تصفیه مکلفند بعد از اتمام عملیات مراتب را جهت انتشار در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند.

بند دوم: شرکت‌های مدیران تصفیه

مدیران تصفیه نماینده تام‌الاختیار مؤسسه در حال تصفیه می‌باشند. بنابراین آن‌ها امین و در حکم وکیل مؤسسه می‌باشند و نییاستی از چهارچوب اختیارات، مقررات قانونی و اساس‌نامه خارج و موجبات تضرر اشخاص ثالث و شرکاء مؤسسه را فراهم نمایند.

هرگاه از تقصیر مدیر یا مدیران تصفیه ضرر و زیانی متوجه اشخاص گردد بنحوی که مطابق قواعد حاکم بر مسؤلیت مدنی مدیر تصفیه مسبب آن محسوب شود، مسؤول بوده و مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند و زیان‌دیده می‌تواند با توجه به مواد ۳۲۸، ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ ق.م و قانون مسؤلیت مدنی و با اثبات تقصیر مدیر یا مدیران تصفیه جبران ضرر و زیان وارده خود را از دادگاه بخواهد.

مدیر یا مدیران تصفیه علاوه بر مسؤلیت مدنی، مسؤلیت جزایی نیز خواهند داشت. ماده ۵۵۵ ق.ت در این زمینه مقرر می‌دارد: «اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد». مجازات خیانت در امانت در مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۰ بر حسب نحوه ارتکاب جرم تعیین گردیده است. در مورد تبانی مدیر تصفیه ماده ۵۵۶ ق.ت می‌گوید: «هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلب‌کار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع مرتکب و بضرر طلب‌کارها یا بعضی از آن‌ها باشد در محکمه جنحه به حبس تأدیبی از شش‌ماه تا دو سال محکوم می‌شود»

۶- نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مباحث مدیران شرکت‌ها و محققین در دنیای امروزی ادغام شرکت‌ها و شرکت‌های تجاری می‌باشد که در این تحقیق به آن پرداخته شده است. جهانی شدن بازارهای تجاری و به تبع آن برقراری اصول نظام اقتصاد رقابتی جوامع، سازمان‌ها و بنگاه‌ها را برآن داشته تا به منظور کاهش زیان‌های ناشی از این جریان و ادامه حیات خویش در شرایط جدید و محیط رقابتی، از ابزارها و سازوکارهای مختلف استفاده کنند. یکی از نهادهای حقوقی مؤثر برای هماهنگ شدن شرکت‌ها با محیط رقابتی فعالیت اقتصادی و تجاری، ادغام شرکت‌های تجاری برای افزایش توان اقتصادی و قدرت رقابتی آن‌ها است. ادغام شرکت‌های تجاری با افزایش توان آن‌ها، خطر ایجاد انحصار در بازار به منظور کاستن از قدرت فعالیت سایر فعالان در عرصه موضوع فعالیت شرکت‌های ادغام‌شونده را نیز پی‌آمد داشته، بنابراین کارکرد و تأثیری دوگانه بر بازار دارد. از یک سو، می‌تواند با تجمیع اموال مشهود و نامشهود شرکت‌های تجاری، توان فعالیت آن‌ها را افزایش دهد و از سوی دیگر ممکن است انحصار ایجاد و شرکت‌های کوچک را از صحنه رقابت حذف کند. بنابراین در تدوین مقررات حاکم، قانون‌گذاران به دنبال ایجاد تعادل بین دو ضرورت متضاد هستند. به این معنا که هم‌زمان با تسهیل ادغام، باید چاره‌ای برای پیشگیری از انحصار، با استفاده از این نهاد حقوقی، بیاندیشند، راز هم‌زادی مقررات حاکم بر ادغام یا قواعد پیش‌گیری از رویه‌های ضد رقابتی و حقوق رقابت نیز در این امر نهفته است.

با توجه با رشد و توسعه اقتصادی کشور و سیاست دولت در خصوصی سازی شرکت‌ها، به ویژه با قانونی شدن این سیاست و نیز با عنایت به کثرت شرکت‌های سهامی در ایران و وجود مزایای فراوان ادغام شرکت‌ها از یک سو، و وجود آثار و نتایج نامطلوب ادغام شرکت‌ها از سویی دیگر، پیش‌بینی می‌شود بحث ادغام شرکت‌ها و تأثیر قواعد و قوانین حقوق رقابت بر آن‌ها در یکی دو دهه آینده، از مهم‌ترین مسائل کشور در خصوص شرکت‌ها باشد.

شرکت‌های غیرتجاری پدیده جدیدی است که بلحاظ ضرورت اجتماعی پا به عرصه وجود گذاشتند. این مؤسسات گرچه ماهیتاً شرکت مدنی هستند و مقررات مدنی بر آن‌ها حاکم است، ولی عمدتاً در اساس‌نامه، از مقررات قانون تجاری اقتباس می‌کنند. شرکت‌های غیرتجاری مانند شرکت‌های مدنی و تجاری نیازمند وجود قرارداد هستند و شرایط و مقررات قرارداد راجع به آن تابع قواعد و اصول کلی قانون مدنی است. لذا برای انعقاد قرارداد راجع به مؤسسات غیرتجاری علاوه بر قصد و رضا و اهلیت مؤسسین موضوع مؤسسه باید مشخص و جهت آن مشروع باشد و نیز مؤسسین باید شرایط شکلی قرارداد را رعایت کنند، یعنی برای ایجاد مؤسسه قرارداد کتبی تنظیم نمایند. در رابطه با مندرجات قرارداد، در عمل مؤسسین از فرم‌های چاپی اداره ثبت شرکت‌ها برای تنظیم قرارداد استفاده می‌کنند. البته با توجه به اصل صحت اشخاص می‌توانند شرایط خاص مورد نیاز خود را در اساس‌نامه بیاورند. بعلاوه برای این‌که این مؤسسات بطور قانونی صحیح و نسبت به اشخاص ثالث معتبر گردند باید در مراجع ثبتی به ثبت برسند، و برخلاف مورد شرکت‌های تجاری که ثبت تأثیری در تشکیل آن‌ها ندارد، ثبت در ایجاد تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری نقش اساسی و مهم دارد.

تشکیلات و شرکت‌های غیرتجاری، بعد از ثبت شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. در نتیجه اعطاء شخصیت حقوقی به مؤسسات غیرتجاری این مؤسسات همانند اشخاص حقیقی صاحب هر حق و تکلیفی که با ماهیت او سازگار باشد می‌گردند. بدین ترتیب مؤسسه می‌تواند دارای نام، اقامتگاه و تابعیت باشد. نام شرکت‌های غیرتجاری معمولاً از کلماتی تشکیل می‌گردد که نوع فعالیت مؤسسه را می‌رساند، ولی مانعی نخواهد داشت که یک اسم بخصوصی برای آن انتخاب کنند. اقامتگاه مؤسسات غیرتجاری مرکز عملیات آن می‌باشد، چون این مؤسسات از اشخاص حقوقی موضوع حقوق مدنی هستند در نتیجه باید تابع قانون مدنی باشد. در رابطه با تابعیت از آن‌جا که طبق ماده ۵۹۱ ق.ت، تابعیت اشخاص حقوقی منوط به اقامتگاه آن است، بنظر می‌رسد که ملاک تابعیت شرکت‌های غیرتجاری مرکز عملیات آن باشد.

شرکت‌های غیرتجاری می‌تواند دارای مجامع عمومی و مدیران و بازرسان باشد. نحوه تشکیل مجامع عمومی و انتخاب مدیران و بازرسان و وظایف آن‌ها همانند شرکت‌های تجاری می‌باشد.

انحلال شرکت‌های غیرتجاری تابع قواعد عام مربوط به شرکت‌های مدنی و تجاری است. لذا در صورت انتفای موضوع مؤسسه یا انقضامدت، مؤسسه منحل می‌گردد. هم‌چنین تمامی اعضاء قبل از انقضامدت می‌توانند مؤسسه را منحل اعلام کنند. انحلال به اراده یکی از اعضاء در صورتی امکان‌پذیر است که این حق در اساس‌نامه از او سلب نشده باشد، و قصد اضرار به دیگری نیز وجود نداشته باشد. هم‌چنین فوت و حجر یکی از شرکاء می‌تواند یکی از عوامل انحلال مؤسسات باشد.

برای این‌که انحلال شرکت‌های غیرتجاری منتهی به سوءاستفاده و تضییع حقوق طلب‌کاران مؤسسه نشود، برابر مقررات باید ثبت و آگهی آن جهت اطلاع عموم منتشر شود. پس از انحلال تصفیه آن طبق شرایط مقرر در اساس‌نامه خواهد بود، در صورتی که ترتیب تصفیه در اساس‌نامه پیش‌بینی نشده باشد، طبق تصفیه امور شرکت‌های تجاری عمل می‌شود.

اگر چه سعی شده است مجموعه‌ای بی‌کم‌وکاست ارائه شود اما از آن‌جا که این تحقیق نخستین تحقیق است که در زمینه «مطالعه تطبیقی مبحث چگونگی ثبت شرکت‌های تجاری و غیرتجاری در قانون تجارت ایران و فرانسه و تغییرات آن» صورت

می‌گیرد. به دلیل کمبود منابع در زمینه شرکت‌های غیرتجاری در حقوق فرانسه، خالی از عیب و نقص نخواهد بود و امیدوارم که با دیده‌ی اغماض بنگرید و آیندگان به تکمیل آن بیافزاید.

پیشنهادات

- ادغام شرکت‌های تجاری گام‌هایی به سوی تدوین مقررات ادغام واقعی بداشته است. با تدوین مقررات جامع در زمینه ادغام شرکت‌های تجاری، به‌طور کامل راه را برای ادغام این گونه شرکت‌ها هموار کند. در تدوین قوانین مربوط به ادغام قانونی شرکت‌ها باید نکات رعایت شود که:

حفظ حقوق دارندگان اقلیت، اعم از دارندگان سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌های تجاری.

تدوین مقررات جامع در مورد جلوگیری از اقدامات انحصارگرانه از طریق ادغام.

قانون‌گذار می‌تواند در تحلیل مقررات ادغام شرکت‌های تجاری از مقررات، حقوق انگلیس راجع به ادغام شرکت‌های تجاری به عنوان یکی از منابع استفاده کند.

- مقررات پیش‌بینی شده برای ادغام قانونی شرکت‌های تعاونی و بعضی شرکت‌های دولتی قابل‌تسری به سایر شرکت‌های تجاری، به ویژه شرکت‌های سهامی، نیست. لذا قانون تجارت ما از این حیث نائص بوده و ضروری است قانون‌گذار همان‌گونه که در مورد شرکت‌های تعاونی، ادغام واقعی را پذیرفته است با تدوین مقررات جامع در زمینه ادغام واقعی شرکت‌های تجاری به‌طور کلی راه را برای ادغام کلیه شرکت‌های تجاری، از جمله شرکت‌های سهامی، هموار کند.

- در قانون تجارت موجود ایران به عنوان قانون مرجع در زمینه شرکت‌های تجاری، پیش‌بینی خاصی راجع به ادغام شرکت‌های سهامی دیده نشده و مقررات مشخصی برای آن وجود ندارد. البته قوانین موردی درباره ادغام بعضی از شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و بیمه‌ها وجود دارد. با توجه به ضرورت‌هایی که در اقتصاد ایران برای انجام ادغام شرکت‌ها وجود دارد تدوین و تصویب قوانین و مقررات لازم برای ادغام امری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

- آخوندی، رضا (۱۳۹۸). عاملیت تجارت در حقوق ایران و فرانسه، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: میزان.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۷). حقوق تجارت، ج ۱، چاپ دوم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- ----- (۱۳۹۸). حقوق تجارت، جلد دوم، سمت، چاپ یازدهم، تهران.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۹۶). حقوق بازرگانی، با اهتمام سهراب امینیان.
- اقدامی، حسین، (۱۳۹۵). مسؤولیت‌های حقوقی مدیران شرکت‌های تجاری، جنگل، تهران.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۷). حقوق مدنی، ج ۶، چاپ هشتم، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران، ج ۴.

- انصاری، ولی الله (۱۳۹۷). کلیات حقوق اداری، چاپ دوم، نشر میزان، تهران.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۶). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- حسن‌زاده، بهرام (۱۳۹۷). حقوق تحلیلی ثبت شرکت‌ها (با نگاهی تخصصی و کاربردی ثبت انواع شرکت‌های تجاری)، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶). دانش‌نامه حقوقی، ج ۱، چاپ ششم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- حسینی، حسن (۱۳۹۴). حقوق تعاون، ج ۱، چ ۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حیدرپور، البرز، (۱۳۹۵). محدودیت‌های مدیران در انجام معاملات، بررسی تطبیقی ایران و فرانسه، تهران: مه‌زیار.
- دوستی، نصرت اله (۱۳۹۶). راهنمای ثبت تاسیس و تغییرات شرکت سهامی خاص، چاپ اول، انتشارات سهامی خاص.
- سازمان ثبت اسناد املاک کشور (۱۳۶۹). دستورالعمل آموزشی سیستم عملیات اسناد و املاک، چاپ روزنامه رسمی، تهران.
- سلجوقی، محمود (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، چاپ اول، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- شاپیرا، ژان (۱۳۹۵). حقوق بین‌المللی بازرگانی، ترجمه ربیعا اسکینی، چاپ اول، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات پازنگ، تهران.
- شایگان، علی (۱۳۹۵). حقوق مدنی ایران، چاپ سوم، چاپ‌خانه مجلس، تهران.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵). مجموعه مقالات حقوقی (حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق کیفری)، چاپ اول نشر حقوق‌دان، تهران.
- صانعی، پرویز (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، تهران.
- صبری، نورمحمد (۱۳۹۸). گزیده آراء دادگاه‌های کیفری، چاپ اول، انتشارات فردوسی، تهران.
- صفار، محمدجواد (۱۳۹۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، نشر دانا، تهران.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول و دوم، مؤسسه عالی حسابداری، تهران.
- صفائی، سید حسین؛ قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۵). حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، چاپ اول، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، تهران.
- صقری، محمد (۱۳۹۹). حقوق بازرگانی شرکت‌ها، جلد اول و دوم، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.
- صقری، منصور (۱۳۹۵). تعریف شرکت تجاری»، تحولات حقوق خصوصی؛ زیر نظر ناصر کاتوزیان، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۵). «شخصیت حقوقی»، تحولات حقوق خصوصی زیر نظر ناصر کاتوزیان، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- - - - - (۱۳۹۷). حقوق اداری، چاپ چهارم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت»، تهران.
- عبادی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق تجارت، چاپ یازدهم، انتشارات گنج دانش، تهران.

- عدل، مصطفی (۱۳۹۳). حقوق مدنی، تهران: انتشارات بحرالعلوم، چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۹۲). فرهنگ فارسی، ج ۱، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کاتبی، حسین قلی (۱۳۹۸). حقوق تجارت، گنج دانش، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱) دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، چاپ اول، تهران.
- ----- (۱۳۹۴). حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۲، چاپ سوم، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران.
- ----- (۱۳۹۷). اعمال حقوقی-قرارداد، ایقاع، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ----- (۱۳۹۹). وصیت در حقوق مدنی ایران، چاپ دوم، کانون وکلای دادگستری با همکاری نشر یلدا، تهران.
- کشاورز، بهمن (۱۳۷۰)، فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کاویانی، کوروش (۱۳۹۵). حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- کیائی، کریم، (۱۳۹۴)، حقوق بازرگانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۶). دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)، ج ۳، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران.
- معین، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مهاجریان، عباس (۱۳۹۵). شخصیت حقوقی، چاپ اول، انتشارات فردوسی، تهران.
- نصیری، مرتضی (۱۳۹۸). حقوق چندملیتی، چاپ اول، نشر دانش‌آموز (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر)، تهران.
- نصیری، محمد (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل خصوصی، (بازنگری، تنظیم، ویرایش مرتضی کاخی، مرتضی نصیری)، چاپ اول، تهران.
- وحیدی، فریده (۱۳۹۵). رژیم حقوقی حاکم بر ثبت شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۷). حقوق جزا و مسئولیت کیفری، انتشارات امیرکبیر، تهران.

ب) مقاله‌ها

- البرزی، صدراالله (۱۳۸۲). ایجاد شرایط مناسب برای ادغام شرکت‌ها، مجله تعاون، شماره ۱۴۸.
- جنیدی، لعیا (۱۳۸۰). قانون داوری تجاری بین‌المللی از دریچه حقوق اسلامی، پژوهش‌نامه متین، شماره ۱۰.
- جهانهانی، علی؛ ثقفی، عباس؛ عارفی، امیر (۱۳۸۵). مبانی تئوریک و کاربردی تصاحب و ادغام شرکت‌ها، تحقیقات مالی، سال هشت، شماره ۲۱.
- سیلی، ال اس (۱۳۷۶). «حقوق شرکت‌ها در انگلستان»، ترجمه عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شرکت ۲۰-۱۹، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۹۱). تعریف ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی و انواع آن از لحاظ حقوقی (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۳.
- -----؛ اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۵). ماهیت حقوقی رابطه مدیران شرکت‌های سهامی با شرکت، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هجدهم، شماره دوم.
- مهاجریان، عباس (۱۳۵۴). مدیران در شرکت سهامی، مجله کانون وکلاء، شماره ۳۳.
- عسگری توانی، علی (۱۳۸۳). ماهیت حقوقی رابطه مدیر با شرکت‌های تجاری، مجله دادگستری، ماهنامه ۴۷.

ج) پایان‌نامه‌ها

- چوپانیان‌پور، علی (۱۳۹۷). مسئولیت حقوقی مدیران شرکت‌های تجاری در ثبت اموال منقول و غیرمنقول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم.
- حجتی، سیدبکتاش (۱۳۹۸). تعهدات شرکت تجاری قبل از ثبت در حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان.
- نیک هشتجین، یونس (۱۳۷۷). نقش ثبت در حیات شخص حقوقی در سیستم حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، ۷۷-۱۳۷۶.

۲) منابع خارجی

الف) منابع انگلیسی

* کتاب‌ها

- Edvin W. Miller, (2017). Merger & Acquisition, Blackwell, New York, 3rd ed.
- Stephen A. Ross & Jeffery F. Jaff, (2015). Corporate Finance, 3rd ed, Richard d. Irwin Publisher, Tokyo.

* مقاله‌ها

- Brown, Donald J. & M. Waters, Daniel, (1991). Dissenter's rights and fundamental changes under the New Iowa Business Corporation Act, Drake Law Review, v.41.

ب) منابع فرانسوی

* کتاب‌ها

- Cannu, P. Le et B (2016). Dondero; Droit des sociétés; 4e édition, Paris: Lextenso.
- Cozian, M., A. Viandier and F (2013). Deboissy; Droit Des Sociétés, 25e édition, Paris: LexisNexis.
- Ross, Stephen A. & Jaffe, Jeffrey F., (2015). Corporate Finance, 2ed ed., Tokyo, Richard D. Irwin Inc.
- Lefebvre, F (2011-2012). Mémento Pratique. Sociétés civiles; Paris: Levallois-Perret: F. Lefebvre.
- Isnard, Jacques (2016). Duties & Resposibilities of directors, CMS organization.
- Servan-schreiber, Pierre, Boizard, Matthias, and Boulon, Olivier (2018). Director's duties and liabilities, France.